

---

جامعه‌شناسی روستایی؛ ابعاد تغییر و توسعه در جامعه روستایی  
ایران، تألیف مهدی طالب، با همکاری موسی عنبری، انتشارات  
دانشگاه تهران، ۱۳۸۴ (چاپ اول) تهران، ۴۲۹ صفحه.

---

حسین اصلاحی\*

کتاب مورد بررسی حاصل مطالعاتی است که نویسنده ضمن شناخت و ارتباط مستقیم با برجسته‌ترین پژوهشگران توسعه روستایی طی سه دهه گذشته در مناطق مختلف روستایی ایران انجام داده است. این کتاب دارای ۴۲۹ صفحه و ۹ فصل است و در نگارش آن از منابع مهم فارسی، انگلیسی و فرانسه استفاده شده است. کتاب با نام خدا آغاز و به روستاییان پرتلاش و زحمتکش و همچنین کارشناسان و برنامه‌ریزان توسعه روستایی تقدیم شده است، با این امید که کارشناسان و برنامه‌ریزان روستایی از نگرش‌های غیربومی فاصله بگیرند. به توانمندی‌های جامعه روستایی خود بنگرند و بینش‌های شهری و نامناسب را در روستاها تسری ندهند، و به کنه واقعیت‌های جامعه خود عنایت کافی داشته باشند.

فصل اول کتاب شامل تعریف برخی از مفاهیم اساسی حوزه جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی روستایی، رابطه جامعه‌شناسی با علوم دیگر، توسعه روستایی و جایگاه جامعه‌شناسی در مطالعات روستایی است. در این فصل نویسنده با پرداختن به مفاهیم اساسی دیدگاهی روشن از مسائل مربوط به جامعه‌شناسی روستایی به دست داده است به طوری که خواننده با مطالعه این فصل زمینه‌های خاص مطالعاتی جامعه‌شناسی روستایی را از سایر رشته‌های علوم اجتماعی و

---

\* کارشناس ارشد جامعه‌شناسی، و مدرس دانشگاه. Email: Hossain-eslahi39@yahoo.com

مرتبط با توسعه روستایی (جغرافیا، اقتصاد، سیاست و...) به خوبی تشخیص می‌دهد. همچنین برای علم اقتصاد جایگاه ویژه‌ای در مطالعات روستایی قابل است و معتقد است انجام دادن مطالعات روستایی بدون عنایت به وجوه اقتصادی فعالیت‌ها از استحکام لازم برخوردار نیست (طالب، ۱۳۸۴: ۲۹). با وجود این نویسنده مطالعات جامع جامعه روستایی را نیازمند همکاری صاحب‌نظران یک علم چند رشته‌ای و تجزیه و تحلیل یافته‌های علمی را مختص به پژوهشگران ورزیده می‌داند. کتاب مورد بررسی اثری است بسیار غنی، پرمحتوا، احساس‌برانگیز و تحرک‌آفرین به سمت توسعه و به نفع جامعه دهقانی به‌ویژه خرده‌مالکان ولی برخی از فصول آن دارای کاستی‌های تحلیلی است.

فصل دوم کتاب در مورد تغییر و تحولات روستایی در ۸۰ سال اخیر است. نویسنده در این مبحث به تغییر و تحولات بعد از مشروطیت که با رسوخ فرهنگ غربی در جوامع شهری ساختار نهادها و مؤسسات اقتصادی، آموزشی و پرورشی را دستخوش دگرگونی‌های اساسی نموده است، اشاره نموده و همچنین عوامل عمده‌ای که بر روابط شهر و روستا در این دوره مؤثر بوده‌اند به حد کافی برشمرده که بخشی از آن را به قرار زیر می‌توان خلاصه نمود:

۱. اصلاحات ارضی از طریق تقسیم اراضی و حذف قدرت سیاسی مالک از روستا.
  ۲. گسترش شبکه ارتباطی از طریق ایجاد و توسعه راه‌های روستایی. ۳. توسعه پوشش رادیو و تلویزیون. ۴. ورود روابط پولی در جامعه روستایی و وجود بازار کار برای نیروی کار روستایی. ۵. توسعه مؤسسات آموزشی. وی اضافه می‌کند:
- «... کلیه این عوامل در نقش متغیرهای عامل (مستقیم) یا واسط (غیرمستقیم) بر دامنه شهر و روستا در کشور افزودند به نحوی که امروزه جوامع روستایی راه ادغام را در جامعه کلی طی می‌کند» (طالب: ۸۴).

یکی از اشکالات وارده بر این فصل این است که نویسنده متغیرهای مستقل فوق را به‌عنوان عامل تغییر و تحولات جامعه روستایی و شهری به تفکیک و موردی بیان کرده ولی از پارامترهای مورد تغییر یا متغیرهای وابسته ذکری به میان نیاورده است. جای توصیف برخی از فعالیت‌ها و امکانات روستایی در این کتاب که نویسنده در آن بر ابعاد تغییر و توسعه تأکید داشته است خالی است، نظیر:

۱. نحوه حفرتوانات و کار با آسیاب‌های دستی. ۲. خوراک مردم که از گندم و جو و غالباً بدون نان و خورش یا گوشت و سبزی تشکیل می‌شد. ۳. پوشاک ساده (لباس‌های مندرس و وصله‌دار روستاییان...).
۴. آشپزخانه‌های دودزا و اشک‌آور که سوخت آنان از هیزم تأمین

می‌شد. ۵. بهداشت نابسامان و بیماری‌های واگیردار ناشی از حمام‌های کثیف، توالت‌های غیربهداشتی و حشرات موزی. ۶. وسایل نقلیه ابتدایی (الاغ و...) ۷. نظام آموزشی ظالمانه و آمرانه (مکتب‌خانه‌ها و مدارس ابتدایی و...) که در این ۸۰ سال اخیر با شتاب دستخوش دگرگونی قرار گرفته‌اند. توصیف موارد فوق شاید هشدار می‌بود برای برخی از جوانان این مرز و بوم که از انواع اغذیه، میوه، لباس، خانهٔ راحت، ارتباطات گسترده آموزشی و وسایل حفاظتی و تفریحی استفاده می‌کنند ولی از تاریخ زندگی پدر و مادر و اجداد خود بی‌خبرند.

فصل چهارم در مورد نظام روابط اجتماعی روستاییان و تحولات زمینداری قبل از اجرای اصلاحات ارضی دههٔ ۱۳۴۰ در ایران است. نویسنده در این فصل نگاهی گذرا به تطور و تحول مالکیت در جامعه روستایی انداخته و روابط اجتماعی روستاییان را به دو دسته تقسیم کرده است. ۱. روابط افقی ۲. روابط عمودی. وی روابط تولیدی اقتصادی و اجتماعی زارعین را با مالکان و عوامل آن‌ها (کدخدا، مباشر و...) را از نوع روابط عمودی دانسته و به تحلیل مفصل آن دست زده است، به طوری که برای نشان دادن انواع فشار و ظلم و ستم‌های اعمال شده به زارعین ۲۸ نوع عواید و مالیات اخذ شده (از جمله مالیات پرداختی به دولت، بیگاری، مالیات مواشی، علف‌چینی، اخراجات و...) را تعریف و تفکیک کرده و به نقل از فریزر در تعریف حکومت‌های مطلقه و ظلم و ستم به زیردستان در ایران چنین می‌نویسد: هیچ طبقه‌ای از مردم را نمی‌توان یافت که به قدر دهقانان و بزرگان ایران محنت زده و زحمتکش باشند. پیوسته به زور از آنان مال می‌ستانند و بر آن‌ها ستم می‌کنند و دهقانان را از این معنی‌گیزی و گزیری نیست. زیرا کسی نمی‌داند چگونه و چقدر ممکن است بدون اخطار قبلی از مردم پول گرفت (طالب: ۱۳۲).

به هر حال نویسنده بر ظلم و ستم‌هایی که در طول تاریخ زراعی ایران بر جامعهٔ دهقانی اعمال گردیده بر مؤلفه‌ها و پارامترهای ظالمانهٔ بیشتری انگشت گذاشته و از این نوع روابط اجتماعی و تولیدی تحت عنوان «اریاب و رعیتی» یاد کرده است. یکی از اشکالات وارده بر این اثر این است که مفهوم نظام اریاب و رعیتی نمی‌تواند این نوع نظام روابط اجتماعی و ویژگی‌ها و مؤلفه‌های ظالمانهٔ آن را تحت پوشش قرار دهد. اگر نتوان مفاهیم شیوهٔ تولید آسیایی، استبداد شرقی را برای این نوع نظام روابط اجتماعی به کار برد استبداد دهقانی مفهوم مناسبی است. شایستگی این مفهوم با تعریف مالک و زارع براساس قانون اصلاحات ارضی و تفکیک مالکان قبل از اجرای اصلاحات ارضی دههٔ ۱۳۴۰ روشن‌تر می‌گردد. براساس ماده یک قانون اصلاحی قانون اصلاحات ارضی نوزدهم دی‌ماه ۱۳۴۰ مالک و زارع به شرح زیر تعریف شده‌اند:

مالک کسی است که دارای زمین باشد بدون آنکه شخصاً به کشاورزی اشتغال داشته باشد.

زارع کسی است که مالک زمین نیست و با دارا بودن یک یا چند عامل زراعی شخصاً و یا به کمک افراد خانواده خود در زمین متعلق به مالک مستقیماً زراعت می‌کند و مقداری از محصول را به صورت نقدی یا جنسی به مالک می‌دهد.

### مالکان قبل از اجرای اصلاحات ارضی:

مالکان قبل از اجرای اصلاحات ارضی که تمام یا قسمتی از اراضی و املاک آنان بین زارعین (دهقانان) تقسیم شده‌اند به شرح زیر می‌باشد:

۱. دولت که در طول تاریخ زراعی ایران بخش قابل ملاحظه‌ای اراضی را تحت عنوان «خاصه» یا «خالصه» در اختیار داشت و با توجه به قدرت بلامنازعه‌ای که داشت می‌توانست از روش‌های استبدادی علیه دهقانان و حتی مالکان استفاده نماید.
۲. مالکان بزرگ اعم از سران ایلات و وابستگان به حکومت، خوانین و نخبه‌گان روستایی به طوری که بر کل نیروهای ژاندارمری و ادارات محلی نفوذ و سلطه داشتند و روش‌های استبدادی را اعمال می‌کردند.
۳. بانک‌ها و سایر مؤسسات اقتصادی که در دوره‌هایی مالکیت اراضی و املاک مالکان مقروض را ضبط کرده بودند و با توجه به قدرت اقتصادی بالا موجب وحشت و نگرانی زارعین از خلع ید اراضی بودند.
۴. سازمان‌ها و نهادهای خیریه از جمله اوقاف که تولید اراضی و املاک وقفی را برعهده داشتند و با اهرم مذهب از روش‌های غیردموکراتیک علیه زارعین استفاده می‌کردند.
۵. خرده‌مالکانی که مالکیت یک یا چند قطعه زمین را به صورت مشاعی دارا بودند و با استفاده از قدرت گروه علیه زارعین زبردست از روش‌های استبدادی استفاده می‌کردند.
۶. مالکانی که پسر بزرگشان بر روی اراضی آنان زراعت می‌کردند و از روش‌های «پدرسالار» علیه زارعین (فرزندان) استفاده می‌کردند.

کاربرد مفهوم شیوه تولید استبداد دهقانی به جای مفهوم نظام بهره‌برداری ارباب و رعیتی در واقع نوعی جداسازی و تفکیک این شیوه تولید از نظام بهره‌برداری ارباب و رعیتی (مالک و زراعی یا سهم‌بری) غیرظالمانه موجود کشور است و از نظر روش‌شناسی ارائه نوعی نمونه آرمانی است که مورد تأکید جامعه‌شناسان تفهم‌گرا قرار گرفته است.

فصل پنجم کتاب در مورد اصلاحات ارضی و تغییر در جامعه روستایی است. محقق در این

فصل ضمن ارائه اطلاعات مربوط به کم و کیف فرایند اصلاحات ارضی در جهان آن را منبع تحولات بنیادی جامعه روستایی و شهری ایران ذکر کرده است. وی ضمن تشریح اهداف اصلاحات ارضی به بیش از ۱۰ عامل مهم خارجی و داخلی (از جمله دخالت آمریکا در امور ارضی ایران، وقوع انقلاب‌های سوسیالیستی در جهان و توزیع ناعادلانه زمین و ظلم و ستم مالکان علیه زارعین...) مؤثر بر اجرای اصلاحات ارضی در ایران اشاره کرده و نقش عوامل خارجی را نسبت به عوامل داخلی مهم‌تر دانسته است. یکی از ایرادات وارده بر این فصل این است که نویسنده عامل کاهش آب و پایین آمدن سفره‌های آب زیرزمینی و خارج شدن زمین از فرایند تولید و بیکاری روستاییان در دهه ۱۳۳۰ و مهم‌تر از همه نقش طبقه متوسط جدید را که تا حدی مستقل از دولت میل به توسعه و نمایش قدرت علمی و فنی خود و تا حدی سلطه بر جامعه به‌ویژه طبقه محافظه‌کار (مالکان و...) را داشت در اجرای اصلاحات ارضی نادیده گرفته است. اشکال دیگر این است که نویسنده علی‌رغم آن‌که اصلاحات ارضی را منبع تحولات بنیادی و مرتبط با توسعه کشاورزی و یا عدم آن در جامعه روستایی دانسته در پایان فصل با شرح پیامدها و نتایج اصلاحات ارضی آن را خاتمه یافته تلقی نموده و از ادامه اجرای قوانین و مقررات اصلاحات ارضی که براساس مصوبه مورخ ۱۳۷۰/۳/۲ مجمع تشخیص مصلحت نظام اسلامی امور باقیمانده اصلاحات ارضی توسط هیئت‌های هفت‌نفره واگذاری زمین (سازمان امور اراضی) انجام می‌گیرد ذکری به‌عمل نیاورده است. به هرحال وضعیت صدور اسناد زارعین اصلاحات ارضی و اسناد خانه‌های روستایی، ثبت و صدور اسناد اراضی موات ماده ۱۷ قانون مرحله سوم اصلاحات ارضی به نام دولت و اقدامات اساسی در زمینه استعدادیابی اراضی و واگذاری آن‌ها به اشخاص از مسائل اساسی مرتبط با توسعه کشاورزی و عمران روستایی است که در این تحقیق مطرح نشده‌اند.

فصل هشتم کتاب در مورد توسعه روستایی در ایران است. نویسنده در این فصل به بررسی سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه روستایی در نیم‌قرن اخیر پرداخته و ضمن تشریح موانع و مشکلات موجود آثار برجسته برنامه‌ها و برافشار فقیر روستایی تخریب‌کننده خوانده است. در مورد توسعه روستایی در دوران بعد از پیروزی انقلاب ضمن اشاره به برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی فرهنگی اهداف کلی برنامه اول را در ارتباط با مناطق روستایی و بخش کشاورزی برشمرده آن‌گاه به مراکز و نهادهای توسعه (جهاد سازندگی، هیئت‌های هفت‌نفره و شوراهای اسلامی روستایی) و عملکرد آن‌ها پرداخته است. یکی از اشکالات وارده در این فصل این است که محقق عملکرد و فعالیت‌های جهاد سازندگی و شوراهای اسلامی سابق را طی جداول به‌طور مفصل بیان کرده ولی عملکرد هیئت‌های هفت‌نفره (سازمان امور اراضی) را که از نهادهای مهم توسعه روستایی و مرتبط با بخش کشاورزی است مختص به ایجاد واحدهای بهره‌برداری مشاع دانسته و ضمن عدم

ارائه آمار و ارقام و اشاره نکردن به سایر فعالیت‌های آن؛ این نهاد را شکست خورده قلمداد کرده است (طالب: ۲۸۰-۲۸۵).

این شیوه تحلیل و نادیده گرفتن عملکرد نهادی که وظایف آن شناسایی مالکیت‌ها و تملک اراضی دولتی (موات، خالصه و...) و واگذاری آن‌ها به اشخاص بی‌زمین و کم‌زمین می‌باشد از نظر جامعه‌شناسی مقبول طرفداران انگاره واقعیت اجتماعی (جامعه‌شناسان کاسر دگرا و اثبات‌گراها) نمی‌باشد. شاید بد نباشد که به عملکرد این نهاد از سال ۱۳۵۹ تا پایان سال ۱۳۸۲ که در جدول زیر به آن اشاره شده، نگاهی گذرا داشته باشیم:

جدول ۱. عملکرد سازمان امور اراضی (هیئت‌های هفت نفره و واگذاری زمین از سال ۱۳۵۹ لغایت ۱۳۸۲)

واحد عملکرد	مقدار عملکرد	عنوان عملکرد
هزار ریال	۲۱۳۰۷۰۱۵۲	فروش مشاع‌ها
هزار ریال	۷۵۸۹۳۵۲۹	اجاره
هزار ریال	۲۰۵۸۸۹۸۸	فروش اراضی خالصه
هزار ریال	۱۱۳۸۷۱۸۶۷	تغییر کاربری اراضی
هزار ریال	۴۲۳۴۲۴۵۳۶	جمع کل درآمدها
هکتار	۵۳۰۹۷۵۳۰	شناسایی اراضی موات اصلاحات ارضی
هکتار	۴۶۶۱۰۲۸۸	صدور رأی تشخیص اراضی موات
هکتار	۱۵۹۴۷۴۷۵	میزان اراضی موات صدور سند شده
هکتار	۱۴۳۷۰۰	طرح‌های اقتصادی
هکتار	۸۹۴۴۷۸	تعاونی‌های مشاع
هکتار	۳۶۶۵۶	انفرادی
هکتار	۱۱۲۳۴۷	قرارگاه خاتم‌الانبیاء
هکتار	۸۵۰۰۰۰	کشاورزان کشت موقت
هکتار	۹۳۸۳	سایر موارد واگذاری
هکتار	۲۰۴۶۵۶۴	جمع کل واگذاری
خانوار	۳۶۸۶۶۵	ایجاد فرصت شغلی
قریه	۹۹۶۰	تعیین حریم روستا و مرتع حریم
هکتار	۱۲۷۴۸۵۰۸	استعدادیابی اراضی
هکتار	۳۵۵۲۸۸۲۳	نقشه‌برداری اراضی
هکتار	۶۳۴۵۹	اراضی بایر مجمع تشخیص مصلحت نظام
هکتار	۲۴۴۸۶۱	اجرای امور باقیمانده اصلاحات ارضی
هکتار	۶۶۹۷۸	تغییر کاربری اراضی
هکتار	۵۶۸۳۳	تعیین تکلیف اراضی خالصه و دولتی متصرفی

مأخذ: معاونت برنامه‌ریزی - طرح و برنامه - آمار و اطلاعات سازمان امور اراضی ۱۳۸۳.

فصل نهم درباره واحدهای بهره‌برداری کشاورزی است. نویسنده در این فصل طی چهار گفتار به تحلیل مفصل واحدهای بهره‌برداری دست زده است. یکی از واحدهایی که در حد

تحسین برانگیزی مورد تحلیل انتقادی قرار گرفته واحد بهره‌برداری تولید گروهی مشاعی روستایی زیر نظر هیئت‌های هفت‌نفره واگذاری زمین می‌باشد. تشکیل این واحدها به بعد از پیروزی انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ برمی‌گردد. با پیروزی انقلاب و انحلال شرکت‌های سهامی زراعی و واحدهای کشت و صنعت و بیکاری روستاییان بحث احیای اراضی موات و مراتع و حفظ یکپارچگی اراضی پس از واگذاری مطرح شد و به موجب آن در لایحه قانونی اصلاح قانونی «نحوه واگذاری و احیای اراضی در حکومت جمهوری اسلامی ایران» مصوب ۱۳۵۸/۶/۲۵ شورای انقلاب اسلامی واگذاری اراضی به صورت گروهی (مشاعی) و بنه‌ای در اولویت قرار گرفت. ادعای انطباق این شیوه تولید (مشاعی) با واحد بهره‌برداری سنتی موسوم به «بنه» (بدون در نظر گرفتن جنبه‌های ظالمانه بنه) و بیلان کار منفی شرکت‌های سهامی زراعی و کشت و صنعت‌ها و مهم‌تر از همه تقطیع اراضی بعد از اجرای اصلاحات ارضی از استدلال‌های مهم اعضای ستاد مرکزی هیئت‌های هفت‌نفره واگذاری زمین در ترویج و تشکیل این نوع نظام بهره‌برداری بود. در واقع نظام بهره‌برداری مشاع نوعی تعاونی تولید است که براساس بخش‌نامه‌ها و نشریات ستاد مرکزی هیئت‌های واگذاری زمین به شرح زیر تعریف شده است.

تعاونی تولید مشاع روستایی عبارت است از یک واحد مستقل کشاورزی که عده‌ای کشاورز که مالکیت جمعی یک یا چند قطعه زمین را به صورت مشاعی دارا می‌باشند از طریق ابزار و ماشین‌آلات مشترک و متعلق به مشاع به صورت جمعی به امور کشاورزی می‌پردازند. طرح تشکیل تعاونی‌های مشاع بر پایه تعاونی‌های تولید سنتی (بنه‌ها) از آغاز کار هیئت‌ها توسط طالب مورد انتقاد قرار گرفت. وی در مقاله‌ای مفصل (که عیناً در گفتار سوم فصل ۹ کتاب آورده شده) احیای شیوه مزبور را به دلایلی چند از جمله نبود فرهنگ تولید گروهی در همه نقاط کشور و تفاوت آن با بنه به علت تعلق آب و زمین به نیروی کار (کشاورزان) غیر عملی ذکر کرده و همچنین اظهار داشته که در واحد بهره‌برداری بنه مالکیت آب و زمین متعلق به مالک بود. کشاورزان در واحد بهره‌برداری به صورت گروهی و سهم‌بری کار می‌کردند و مدیریت واحد بهره‌برداری زیر نظر مالک یا نماینده منصوبش موسوم به سربنه یا سالار بود. اگر اختلافی در واحد بهره‌برداری بین کشاورزان ایجاد می‌شد اختلاف حاصله به دلیل عدم تعلق آب و زمین به کشاورزان و قابلیت جابه‌جایی آنان در بنه‌ها در پایان سال زراعی موجب تقطیع و تفکیک اراضی نمی‌شد. در حالی که واگذاری اراضی به شیوه مشاع و انتقال آب و زمین به کشاورزان موجب احساس مالکیت و پایگاه اجتماعی یکسان در میان آنان می‌شود که این امر زمینه‌ساز تکروی، نافرمانی از سرمشاع، عدم همکاری و در نهایت تجزیه و تقطیع اراضی است. وی می‌گوید: «... آن چه که به عنوان مشاع ترویج شده است

به هیچ وجه واجد ویژگی‌های بنه یا واحد تولید گروهی سنتی نیست. ممکن است از لحاظ کار مشترک زارعین مشابه باشند ولی از سایر جنبه‌ها فرق‌های اساسی دارند» (طالب: ۳۵۸). این تفاوت‌های اساسی بین دو نظام بهره‌برداری که توسط نریسنده به‌طور کامل تحلیل شده‌اند با مطالعات اصلاحی تأیید شده‌اند به‌طوری که در مقاله «بررسی و تحلیل نظام بهره‌برداری مشاع روستایی» نتیجه‌گیری کرده که:

«... مبانی نظری و چارچوب مفهومی این نظام بهره‌برداری که بر کار گروهی تعدادی کشاورز یا مالکیت جمعی آب و زمین و ماشین‌آلات مشترک در واحد بهره‌برداری تأکید دارد، در صورت عدم نظارت و فقدان یک مدیریت قوی به تجزیه و تفکیک اراضی در واحد بهره‌برداری منجر می‌شود» (اصلاحی، ۱۳۸۴: ۴۳۷).

به‌رحال مطالعات ایشان چهار سال بعد از تشکیل مشاع‌ها نشان می‌دهد که اراضی قابل ملاحظه‌ای از مشاع‌های تشکیل شده توسط اعضا مورد تقسیم و تفکیک واقع شده‌اند و افراد بر روی سهام زمین خود به‌صورت فردی کار می‌کنند. علی‌رغم تقطیع اراضی بین اعضای مشاع و انتقادات وارده بر آنها این واحدها از لحاظ کمی و کیفی در سطح گسترده توسعه یافتند. به‌طوری‌که تا پایان سال ۱۳۸۲ تعداد آنها بیش از ۲۲ هزار واحد در سطح کشور می‌باشند. یکی از دلایل گسترش واحدهای مشاع در دهه اول انقلاب حمایت جدی دولت وقت از خرده‌مالکان بود. واگذاری ۹۲۴۶ دستگاه تراکتور، ۳۸۱۲ خودرو، حفره ۶۶۶۰ حلقه چاه عمیق و نیمه‌عمیق و تجهیز آنها و پرداخت ۵۶ میلیارد ریال وام بلاعوض و کم‌بهره از خدمات عرضه شده در این دوره به مشاع‌ها بود<sup>۱</sup>.

هرچند محقق در آغاز تشکیل مشاع‌ها تحلیل اجتماعی و اقتصادی درستی از مشاع‌ها به‌عمل آورد و در کتاب مورد بررسی برای پذیرش تعاونی و تشکیل‌های روستایی راهکارها و پیشنهادات ارزنده‌ای ارائه نموده است ولی از این جهت که وی واحدهای مزبور را فقط با رویکرد تضاد تحلیل کرده و از سایر دیدگاه‌ها به‌ویژه دیدگاه کارکردی غافل مانده تا حدی دچار تقلیل‌گرایی است.

احیای ۸۹۴۴۷۸ هکتار از اراضی موات و ملی، موفقیت ۷۰ درصد مشاع‌ها در عرضه محصول به بازار و نقش آنها در ایجاد اشتغال و جلوگیری از مهاجرت کشاورزان به شهرها، و این امر مهم که در این نظام بهره‌برداری به محرومین و فقرا امکان مشارکت امر توسعه داده شده، که به قول آنتونی گیدنز بهترین نوع توسعه است، می‌تواند مبین کارکرد مثبت آنان تلقی شود. (اصلاحی، همان منبع: ۴۵۰).

۱. مدیریت آمار و برنامه‌ریزی ستاد مرکزی هیئت‌های هفت نفره واگذاری و احیای اراضی، ۱۳۷۰.



در پایان ذکر این نکته ضروری است که با توجه به این‌که این نوع نظام بهره‌برداری به بهره‌برداری‌های خانوادگی نزدیک شده، می‌توان ضمن حل مسائل و مشکلات بهره‌برداران فعال جریان صدور اسناد زارعین (اعم از اصلاحات ارضی و مشاع‌ها) را تکمیل و با حذف قوانین و مقرراتی که مانع از خرید و فروش اراضی است این‌گونه بهره‌برداری‌ها را به سمت واحدهای اقتصادی‌تر و یکپارچه غیرتحمیلی و بومی هدایت نمود.

### مأخذ

اصلاحی، حسین، ۱۳۸۴. مجموعه مقالات اولین همایش نظام‌های بهره‌برداری کشاورزی در ایران، معاونت ترویج و نظام بهره‌برداری، انتشارات مؤسسهٔ فرهنگی یاد سبز.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی